

## مبانی و گستره مشارکت مردم در دولت اسلامی

محمدتقی دشتی<sup>۱</sup>

پوریا ناصری<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه یکی از مؤلفه‌های مشروعیت نظام‌های سیاسی در سراسر جهان، میزان مشارکت سیاسی مردم در حکومت است. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، مبانی و گستره مشارکت مردم در دولت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال پژوهش این است که مبانی فقهی مشارکت مردم در دولت اسلامی کدامند و این مشارکت از چه گستره‌ای برخوردار است و آیا صرفاً به مرحله تشکیل دولت محدود می‌گردد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد اراده جمعی، اطاعت از خدا، رسول و اولی الامر، واجب کفایی بودن، امر به معروف و نهی از منکر، رضایت عمومی و بیعت، از مبانی فقهی مشارکت مردم در دولت اسلامی هستند. عرصه‌های مشارکت مردمی در حکومت اسلامی را در سه سطح مشارکت تکمیلی (مشارکت در عرصه حل و فصل دعاوی، مشارکت در رفع فقر و ایجاد رفاه)، اصلاحی (مشارکت در عرصه قانون‌گذاری، مشارکت در اصلاح قاعده‌گذاری، مشارکت در نظارت بر کارگزاران) و ابتدایی (طراحی و تأسیس نهادهایی به منظور مسئولیت‌پذیری و سهیم شدن مردم در اداره حکومت) می‌توان دسته‌بندی نمود.

**واژگان کلیدی:** مشارکت مردم، دولت اسلامی، مشارکت سیاسی، نظارت.

---

۱- عضو هیئت علمی مرکز پژوهشی مبنا، (نویسنده مسئول)، t.d.dashty@yahoo.com

۲- دانشجوی مقطع دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، Puryanaseri@yahoo.com

## ۱- مقدمه

انسان در طول تاریخ به صورت دسته جمعی زندگی کرده و در قالب گروه‌های مختلف، کثرت حیات اجتماعی را به نمایش گذاشته است و فعالیت‌های گروه در گرو مشارکت اعضاست و مشارکت اعضا، هویت و حیات گروهی را تداوم می‌بخشد (ایزدهی، ۱۳۹۷، ص ۵۵). امروزه یکی از مؤلفه‌های مشروعیت نظام‌های سیاسی در سراسر جهان، میزان مشارکت مردم - به‌ویژه مشارکت سیاسی - در آن است. از سویی، اسلام به‌عنوان دینی کامل، افزون بر بعد فردی انسان‌ها به ابعاد اجتماعی آنان نیز توجه کرده و مسئله مشارکت سیاسی و دخالت افراد در سرنوشت اجتماعی خویش را امری چشمگیر و مهم دانسته است. در این پژوهش ابعاد متفاوت مشارکت مردم در دولت اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور از منابع فقهی و همچنین تجربه انقلاب اسلامی ایران استفاده خواهد شد.

## ۲- پیشینه تحقیق

موضوع مشارکت سیاسی و به‌ویژه بحث مشارکت در اداره دولت، از مهم‌ترین مباحث و دغدغه‌های بشر در طول تاریخ سیاسی بوده است و سابقه آن به قرن‌ها قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. این موضوع از ابتدای زندگی انسان تاکنون مسئله‌ای اصلی و واجد اهمیت نزد حکیمان و فیلسوفان بوده است. کتاب‌ها و مقالات زیادی تحت عنوان مشارکت سیاسی و تأسیس دولت از دیدگاه متفکران سنت‌های مختلف فلسفی چاپ و منتشر گردیده است؛ اما اغلب آنها دیدگاه یک سنت فلسفی خاص در مورد فلسفه سیاسی را بیان کرده‌اند. مشارکت سیاسی مردم در دولت اسلامی از جنبه‌های متفاوتی مورد نظر پژوهشگران بوده است.

جاوید و فتاحی زفرقندی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی» بیان می‌دارد: «هیچ حکومتی بدون مشارکت مردم توانایی تداوم و پیشبرد اهداف خود را ندارد و حکومت اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست؛ از این رو بررسی جایگاه و نقش مشارکتی مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی و راهکارهای تحقق آن ضروری است. به نظر می‌رسد راهکارهای تحقق مشارکت را می‌توان ذیل

دو دسته‌ی کلی راهکارهای «مشارکت حکومتی» که در آنها حکومت اسلامی زمینه‌های مشارکت را برای مردم طراحی می‌کند و «مشارکت مردمی» که در آن عرصه‌های مشارکت از ابتدا به وسیله‌ی مردم تعریف می‌شود، دسته‌بندی کرد». واعظی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی مفهومی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی در نهج‌البلاغه» بیان داشته‌اند: «مشارکت شهروندی محصول دموکراسی در دوران جدید و به رسمیت شناختن حق حاکمیت یکایک انسان‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش است. این در حالی است که براساس آموزه‌های اسلامی، مشارکت مردم جزء دکتترین و اندیشه‌های بنیادین حکومت اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین دولت‌های اسلامی باید سازوکار تحقق مشارکت حداکثری مردم را طراحی کنند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در دو دسته عوامل پیش‌برنده و بازدارنده قرار می‌گیرد که هر یک از آنها می‌تواند منشأ مردمی و دولتی داشته باشد؛ به عبارت دیگر هم دولت‌ها و هم شهروندان در ایجاد مشارکت سهیم هستند. قدرت متقابل نیروی عوامل پیش‌برنده و نیروی عوامل بازدارنده حد توازن و تعادل مشارکت شهروندی را ایجاد خواهد کرد.»

### ۳- مشارکت سیاسی و انواع آن

واژه «مشارکت» یک واژه در زبان عربی بوده که بر وزن مفاعله است. در فرهنگ فارسی معین، مفاهیم شرکت دادن، انبازی کردن و مشخص کردن میزان سود و ضرر افرادی که با سرمایه‌های معلوم به امر بازرگانی مبادرت ورزیده‌اند، برای واژه مشارکت، عنوان شده است (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۷۵، ۱۰۴۱). لغتی که در زبان انگلیسی معادل مشارکت در نظر گرفته شده است، participation است که در فرهنگ‌های انگلیسی مانند فرهنگ وبستر، به معنی با هم کار کردن، از منبع یا پدیده‌ای سهم بردن و افعال کنش و واکنشی اجتماعی‌گونه در یک گروه یا تیم مورد استفاده قرار گرفته است (منوچهری، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶). متخصصان دانش مدیریت نیز مفهوم مشارکت را وارد شدن تنگاتنگ افراد در فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار بر فرآیند و مسیر زندگی

خودشان تلقی می‌کنند. هرچند تعاریف ارائه شده تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، با بررسی آنها می‌توان با استخراج وجوه مشترک، به ارکان واحد زیر در بیان مفهوم مشارکت دست یافت: ۱. مسئولیت‌پذیری؛ ۲. حرکت به سمت اهداف مشترک؛ ۳. همکاری و یاری دادن به یکدیگر در این مسیر. با استفاده از ارکان مفهوم مشارکت، به عنوان خلاصه و نتیجه تعاریف ارائه شده در زمینه حقوق و در یک جمله سهل می‌توان بیان داشت «مشارکت، سهام‌دار گردیدن و شراکت ورزیدن اشخاص جامعه و گرفتن نقش در فعالیت‌ها و ابعاد مختلف زندگی اجتماعی با هدف دسترسی و نزدیک شدن به اهداف مشخص است». بر این مبنای تبیین و تحلیل خاص و مورد توجه از مشارکت سهام‌داری و شراکت‌ورزی و گرفتن نقش شهروندان در فعالیت‌های مرتبط با اداره کردن حکومت اسلامی و در جهت رسیدن به اهداف والای آن است.

«مشارکت سیاسی» عبارت است از فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیرگذاری یا حمایت از دولت و سیاست‌ها» (قوام، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹). این تعریف نه تنها شامل نقش‌های فعال مردم در پیگیری و تعقیب نتایج تأثیر سیاسی است، بلکه همچنین فعالیت‌های حمایتی و رسمی را نیز شامل می‌شود (شهبازی، ۱۳۸۰، ص ۵۹). این تعریف، واژه «بی‌تفاوتی» را در مقابل واژه «مشارکت» به کار می‌برد و به معنای دوری جستن از چنین فعالیت‌هایی است. در بررسی این تعریف می‌توان گفت: ۱- مشارکت، عمل است نه نگرش. ۲- بین شهروندان عادی و دولتی فرق نگذاشته است؛ زیرا به نام اعضای جامعه از آنها یاد می‌کند؛ ۳- اعمال داوطلبانه - که معمولاً در مشارکت‌های بسیجی یافت می‌شود - در آن جایی ندارد.

#### ۴- مفهوم فقهی مشارکت سیاسی

برای بررسی دیدگاه اسلام درباره مشارکت سیاسی، ابتدا مفاهیمی که قابل انطباق با این نوع مشارکت هستند و در متون اسلامی وجود دارند شناسایی و به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱- بیعت

تکوین رابطه میان امت و امام، و تحقق نظام امامت در عالم خارج منوط به آن است که مردم مسلمان با پذیرش ولایت امام عادل و برحق تبدیل به امت شوند. این فرایند از طریق بیعت صورت می‌پذیرد؛ فرایندی که خود ضوابطی دارد. نمونه بارز اهمیت عنصر بیعت در تکوین نظام امامت، به حکومت رسیدن امام علی (علیه السلام) است. علنی بودن بیعت، لزوم وقوع آن در مسجد و در ملاءعام، اجباری و تحمیلی و اکراهی نبودن بیعت، عمومی و فراگیر بودن بیعت و بر مبنای قرآن و سنت بودن در شمار این ضوابط است (نیکونهاد و زارع، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸). بیعت دقیقاً مصداق روشنی از انتخابات و مشارکت جمعی است. در اینکه آیا ماهیت بیعت کشف است یا انتخاب، دو دیدگاه وجود دارد. اهل سنت بیعت را تعیین‌کننده خلیفه و امام می‌دانند، ولی در دیدگاه شیعه بیعت تعیین‌کننده نیست، بلکه کشف‌کننده است و مردم به دلیل حقانیت امام (ع) او را انتخاب می‌کنند، نه اینکه با انتخاب خود به او مشروعیت دهند؛ به عبارت دیگر با بیعت خود کشف می‌کنند از مشروعیتی که قبلاً وجود داشته است (همان، ص ۶۰).

#### ۴-۲- اراده جمعی

آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup> که در دو مورد در قرآن با تفاوت مختصری آمده است، یک قانون کلی و عمومی را بیان می‌کند. چنین قاعده‌ای که یکی از مهم‌ترین ریشه‌های ایدئولوژی و جامعه‌شناسی در دین مبین اسلام است، بیان می‌دارد که مقدرات شما قبل از هر چیز در دست خود شماست و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام، در درجه اول به خود آنها بازگشت می‌کند. در واقع مفاهیمی مثل شانس و فلک و حادثه و انرژی و امثالهم پایه نداشته و آنچه مبنا و مهم است آن است که یک ملت با انگیزه و اراده خودش طلب کند که سربلند و سرافراز و پیروز و پیشرو باشد، و یا به عکس خودش تن به ذلت و زبونی و شکست دهد. حتی لطف الهی و یا مجازات او، بی‌مقدمه دامان هیچ ملتی را نخواهد گرفت، بلکه این اراده

۱- سوره ی رعد، آیه ۱۱.

و خواست ملت‌ها و تغییرات درون آنهاست که آنها را مستحق لطف و یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۵). اراده جمعی انسان‌ها در متون اسلامی از این آیه شریفه استنباط می‌شود. در این آیه، اراده جمعی به‌عنوان یک عامل مستقل در برابر اراده خداوند مطرح شده است. این آیه حاکی از اراده تکوینی خدا در حوزه جامعه سیاسی است و موکول به این است که انسان‌ها خود اراده جمعی در پیش گیرند و این اراده جمعی حاصل همان مشارکت جمعی است. اراده جمعی در مقابل اراده فردی است (شاکرین، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴). اگر اراده‌های فردی در چارچوب مشارکت هم‌سو شدند، از نتیجه آنها یک اراده جمعی به وجود می‌آید (رهبر، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱). اولین مفهومی که در متون اسلامی وجود دارد و بر مشارکت سیاسی مردم دلالت دارد، «اراده جمعی» است که می‌توان تعابیر مختلفی؛ مثل حاکمیت، حاکمیت جمعی، حاکمیت ملی، اقتدار جمعی، عدم انحصار قدرت سیاسی، منوط بودن قدرت سیاسی به خواست و اراده جمعی و... را از آن داشت.

#### ۴-۳- اطاعت از خدا، رسول و اولی الامر و نهاد واجب کفایی

در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup> بیان می‌دارد، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را. این آیه و چند آیه بعد، درباره یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی، یعنی مسئله رهبری بحث می‌کند و مراجع واقعی مسلمانان را در مسائل مختلف دینی و اجتماعی مشخص می‌سازد. نخست به مردم با ایمان دستور می‌دهد که از خداوند اطاعت کنند و در مرحله بعد فرمان به پیروی از پیامبر (ص) می‌دهد و در مرحله سوم فرمان به اولی الامر می‌دهد که از متن جامعه اسلامی برخاسته و حافظ دین و دنیای مردم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، صص ۴۳۵ و ۴۳۶). یکی از مصادیق مشارکت جمعی در اسلام، مسئله اطاعت از خدا و رسول خدا و اولی الامر است؛ چون نفس این اطاعت مشارکت جمعی را می‌طلبد، در حالی که منبعث از اراده آزاد انسان‌هاست.

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

یک نهاد دیگر در فقه اسلامی که با مفهوم مشارکت جمعی رابطه دارد، نهادی به نام واجب کفایی است. مطابق با این مفهوم حتی می‌توان بیشتر مواردی را که در یک حکومت اسلامی مستلزم مشارکت جمعی است جزء واجبات کفایی محسوب نمود. برپایی عدالت در یک جامعه از مهم‌ترین واجبات کفایی به شمار می‌آید، ولی چنین واجبی در صورت فراهم نشدن ابرازها و شرایط مناسب قابلیت انجام ندارد (هزاوئی، ۱۳۹۵، ص ۴۴). از این رو، امت به نمایندگان شهروندان، مجلس یا مجالس با هدف قانون‌گذاری و همچنین برای پیاده‌سازی عدالت به برخی نهادها و سازمان‌ها برای برنامه‌ریزی نیازمند است و همه موارد اشاره شده به مشارکت شهروندان مربوط است. در عصر کنونی به چنین مشارکتی از شهروندان، مشارکت سیاسی گفته می‌شود. آنچه در تعاریف مشارکت سیاسی تلقی می‌شود در فقه اسلامی نیز از واجبات کفایی می‌باشد (ایزدهی، ۱۳۹۷، ص ۵۹). از این رو برای تحقق یافتن عمل کردن مردم به واجبات کفایی، هیچ راهی به جز مشارکت اجتماعی آنها به منظور مشخص کردن سرنوشت عمومی وجود ندارد.

#### ۴-۴- امر به معروف و نهی از منکر

آیه شریفه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران بیان می‌دارد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگاران اند. مسئله امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است (قربانی، ۱۳۹۳، ص ۸۷)؛ چراکه در صورت نبود این مهم عوامل مختلفی ریشه‌های اجتماع را از بین می‌برند و آن را از هم متلاشی می‌سازند. بنابراین، حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. پس چهارمین مفهومی که در منابع اسلامی وجود دارد و با مشارکت جمعی تطبیق می‌کند، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. مردم با مشارکت جمعی در انتخاب قوای مقننه و مجریه و انتخاب مجلس خبرگان رهبری، برای تعیین رهبر، ابزار لازم برای عملی شدن امر به معروف و نهی از



منکرو نهادینه شدن آن را فراهم می‌آورند. مردم با مشارکت خود جامعه‌ای را می‌سازند که دائماً در حال حرکت به سوی معروف‌ها و مانع منکرات است.

#### ۴-۵- رضایت عمومی

عبارت «رضایت عمومی» در متون عربی به شکل «رضی العامة» آمده است. در متون مختلف، در روایت‌ها از رسول اکرم (ص) و همچنین سیره امامان معصوم (ع) حاکمان و کارگزاران دارای این وظیفه هستند که رضایت عمومی را مورد توجه قرار داده و در جهت تأمین آن بکوشند؛ بدین معنی که امت و حکومت همیشه باید در حالت توازن از حدیث رضی العامة باشند (ارسطا، ۱۳۸۰، ص ۷۴). مفهوم رضی العامة یک عبارت مصطلح سیاسی در متون فقهی است و در این جمله خلاصه می‌شود که «سیستم و یا حکومت سیاسی بایستی بر اساس رضایت عمومی شکل گرفته و ادامه حیات دهد».

#### ۵- مردم و تأسیس حکومت اسلامی

آنچه از بررسی نظریه‌های مرتبط با اعمال ولایت ولی فقیه در زمانه غیبت امام زمان (عج) شامل نظریات انتخاب و انتصاب حاصل می‌شود، جایگاه تأثیرگذار مردم (شهروندان) در ایجاد یک حکومت اسلامی است. معتقدان به نظریات مورد اشاره، اگرچه در باب چگونگی اثبات و جایگاه (نقش) مردم در حکومت اسلامی با هم تفاوت‌هایی دارند، هر دو گروه بر جایگاه مؤثر جامعه در ایجاد حکومت صحه گذاشته و بر این باورند که ایجاد یک حکومت اسلامی بدون مشارکت و مقبولیت مردم ناممکن است. به همین دلیل بحث در مورد نقش و تأثیر مردم (شهروندان) در ایجاد یک حکومت اسلامی در هر کدام از نظریات انتخاب یا انتصاب می‌تواند چشم‌انداز درستی از جایگاه مردم در ایجاد نظام اسلامی را به دست دهد.

#### ۵-۱- نقش شهروندان در نظریه انتصاب

افرادی که به نظریه انتصاب باور دارند، علاوه بر اینکه بین دو مفهوم مشروعیت و مقبولیت تفاوت قائل هستند، مفهوم مقبولیت را معادل پذیرش مردمی برای یک



حکومت و یا نظام سیاسی تلقی می‌کنند. به دیگر بیان می‌توان چنین اذعان کرد که در شرایطی که یک حکومت با میل و اشتیاق مردم تأسیس شود و یا شخص و حزبی بر اساس حمایت مردم به قدرت برسد، سیستم قدرت یافته دارای مقبولیت می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۵۲). این در حالی است که به منظور تشریح و توصیف نظریه انتصاب لازم است تا به ضابطه تعریف «مشروعیت» توجه داشت. بر این اساس در صورتی که مقبولیت و مشارکت مردم و مسئولیت آنها در اجرای امور حاکمیتی را بخشی از مشروعیت تلقی کنیم، مفهوم مقبولیت در دل مفهوم مشروعیت معنا پیدا می‌کند، ولی اگر بین معیار مشروعیت و معیار مقبولیت و قبول عمومی مردم تفاوت و اختلاف قائل شویم، میان مفهوم مشروعیت و مقبولیت تمایز ایجاد می‌گردد. بر مبنای چنین حکمی کلی، چنین احتمالی وجود دارد که حاکمانی دارای مشروعیت باشند، ولی شهروندان و غالب جامعه به آنان اقبال نکنند و یا حتی حاکمانی مورد پذیرش و اقبال و خوشحالی مردم باشند، ولی فاقد مشروعیت تلقی شوند.

## ۵-۲- نقش شهروندان در نظریه انتخاب

مطابق با تئوری انتخاب، شهروندان عامل مشروعیت بخش به حکومت اسلامی هستند و در کنار اینکه قدرت و حکومت برگرفته از خواست شهروندان است، مردم دارای حقی مبنی بر نظارت و مراقبت از کارگزاران حکومتی نیز می‌باشند. بنابراین مطابق با چنین نظریه‌ای، مشروعیت حکومت منوط به پذیرش یافتن از سمت شهروندان بوده و در این صورت اگر در شرایطی غالب یک جامعه تقاضای یک حکومت غیردینی را داشته باشند، هیچ کس حقی مبنی بر اجبار و اعمال قوانین دینی به مردم را ندارد. «بنابراین در صورتی که در شرایطی غالب و بیشتر مردم دین‌گریز شوند، فقیهان و اندیشمندان اسلامی نقشی به جز بیان نمودن احکام و ارشاد و تبلیغ با منطق و زبان روز را ندارند و در هیچ شرایطی نقشی مبنی بر اینکه قوانین دین را با زور به مردم اجبار نمایند، ندارند» (منتظری، ۱۴۰۹، ص ۲۹۸).

### ۵-۳- نقش مردم در تأسیس دولت اسلامی از منظر ادله قرآنی

تشکیل حکومت دینی از احکام تشریحی خداوند متعال است و از آنجا که در احکام تشریحی رکن تأثیرگذار اراده و اختیار مردم بوده و خواست خداوند متعال بر تحقق تکوینی این امر تعلق نگرفته است، مجموعه آیات ناظر بر حکم عدم اجبار و تحمیل شریعت مقدس به مردم، بر همین مطلب دلالت دارد. در آیات قرآن کریم بارها بر این موضوع تأکید شده است که رهبران الهی وظیفه فراخوانی مردم به منظور پیروی از آنان در جهت برپایی حکومت عدل را بر عهده دارند و این امر با اعمال زور امکان پذیر نیست (اراکی، ۱۳۸۰، ص ۶). آیات زیر ناظر بر همین محتواست.

۱. «و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند؟»<sup>۱</sup>

۲. «در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.»<sup>۲</sup>

۳. «پس تذکر ده که تو فقط تذکردهنده ای. تو بر آنان مسلط نیستی (که به قبول ایمان مجبورشان کنی).»<sup>۳</sup> بر اساس این آیات و آیات دیگر تشکیل حکومت بر اساس زور و اکراه ناپسند بوده و چنین اذنی از ناحیه خداوند متعال به اولیای الهی اعطا نشده است.

### ۵-۴- نقش مردم در تأسیس دولت اسلامی از منظر ادله روایی و سیره عملی معصومین (ع)

روایات ائمه معصومین و سیره ایشان نیز به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی مؤید همین موضوع است که تشکیل حکومت اسلامی حتی در دوره حضور امام معصوم بدون پذیرش مردم ممکن نخواهد بود. برای نمونه به تعدادی از روایاتی که متضمن این مفهوم است، اشاره می شود.

۱- وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ، سوره یونس، آیه ۹۹.

۲- لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۳- فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ، سوره غاشیه، آیه ۲۱.

الف) امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: پیامبر خدا با من پیمانی بسته، فرمود: ای پسر ابی طالب، ولایت بر امت من از آن توست؛ پس اگر با رضا و رغبت تو را به ولایت خویش برگزیدند و با رضایت بر خلافت تو اجتماع و اتفاق نمودند، ولایت آنان را به عهده بگیر و اگر بر خلافت تو اختلاف کردند، آنان را با آنچه در آن هستند، واگذار (موحدیان، ۱۳۹۷، ص ۳۰). از این کلام استفاده می‌شود که اگرچه بر اساس اعتقاد ما، خلافت برای امیرالمؤمنین (ع) با نصب ثابت بود و روایت نیز بر آن دلالت دارد، لکن نظر مردم نیز در قبول و پذیرش ولایت مؤثر بوده و این امر، برای آنان است و در طول نص و دررتبه متأخر از آن دارای اعتبار است (منتظری، ۱۴۰۸، ق، ص ۵۰۵).

ب) «ما به خاطر رسول اکرم، حقی بر گردن شما داریم و شما هم حقی بر گردن ما ندارید، هرگاه شما حق ما را دادید، ما نیز به وظیفه خود عمل خواهیم کرد» (مفید، ۱۴۱۳، ق، ص ۱۳۶۲). شهید مطهری در تبیین فرمایش نورانی حضرت رضا (ع) می‌گویند: «به طور قطع، حق امام امت بر امت آن است که امام را کمک کرده و شرایط حکومت کردن او را آماده نمایند و حق امت بر امام آن است که با استفاده از ابزار حکومت به امورات دنیایی و اخروی مردم سروسامان بدهد» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۱).

ج) سیره پیشوایان معصوم، به ویژه امیرمؤمنان علی (ع) در دوران پس از رحلت نبی اکرم (ص) بیانگر آن است که حضرت برای تصدی حکومت به زور متوسل نشدند. هرچند ایشان منصوب مستقیم از ناحیه الهی بود، تولی امور مردم، به خواست آنان بستگی داشت و از آنجاکه مردم پس از پیامبر حاضر به پذیرش حکومت امام (ع) نشدند، امکان عملی تشکیل حکومت علوی سلب شد و ایشان منتظر ماند تا روزی که مردم به آن حضرت روی آورند؛ چنانکه پس از قتل عثمان، مردم به در خانه امام هجوم بردند و خواستار خلافت ایشان شدند (ورعی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲). سیره عملی امیرالمؤمنین (ع) نیز نشان می‌دهد که حضرت زمانی حاضر به پذیرش حکومت شدند که حضور مردم و قبول حکومت حضرت از جانب آنان محرز شده بود.

## ۶- مردم و انتخاب کارگزاران در دولت اسلامی

یکی از مباحث مهم ضرورت مشارکت داشتن مردم در ابعاد مختلف یک حکومت اسلامی، ضرورت مشورت دادن و مشورت کردن حاکم و یا حاکمان حکومت اسلامی و همچنین نصیحت نمودن و خیرخواهی کردن برای امام مؤمنین است. به همین دلیل زمانی که حاکمان یک حکومت، مقدماتی را برای اعلام نظرات افراد آماده می‌کنند، ضرورت مشارکت فعالانه مردم ایجاب می‌نماید که مردم هم با فعالیت هوشیارانه و توأم با پذیرش مسئولیت حاکمان را کمک کنند. با همین استدلال، یکی از جنبه‌های منعکس شده مشارکت جدی و هوشمندانه در حکومت‌های اسلامی در عصر کنونی، شرکت در انتخابات‌هایی است که با هدف برگزیدن کارگزاران دولتی و حکومتی در ابعاد مختلف؛ از جمله برنامه‌ریزی و تقنین و یا حتی سطوح اجرایی برگزار می‌گردد. پدیده انتخابات در واقع مجموعه‌ای از ابزارهای انتخاب و روش‌های گوناگون برگزیدن کارگزاران حکومت و دولت است و شیوه‌ای برای نمایش دادن اراده مردم در شکل دادن به نهادهای مختلف سیاسی- اجتماعی و برگزیدن متصدیان و همچنین اعمال نمودن اقتدار سیاسی کشورها به حساب می‌آید (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳، ص ۶۷۹). امام امت هم به دلیل اینکه شهروندان با مشارکت در انتخابات از یک سو در فعالیت‌های دولت اسلامی شرکت می‌نمایند و از سوی دیگر قبول کردن ایده‌های ارائه شده به وسیله نمایندگان برای شهروندان آسان تر است، با هدف انتخاب افراد مناسب با رویکرد کمک به او در جهت رسیدن به چشم‌اندازهای والای دولت اسلامی، به نظرات عموم مردم رجوع می‌نماید (منتظری، ۱۴۰۹، ق، ص ۱۲۴). از سوی دیگر، در زمان رجوع امام امت به نظرات مردم، شهروندان هم وظیفه دارند بر اساس ضرورت مشارکت نمودن به شکل فعالانه در حکومت اسلامی، در کنار ایفای نقش مشارکت در انتخابات، از شرایط و ضرورت‌ها به منظور کسب جایگاه‌های حکومتی در ابعاد مختلف اطلاع به دست بیاورند و شرایط خاص مورد اشاره را با اصطلاحاً کاندیداهای کسب مناصب مطابقت داده و بدین وسیله شخص مناسب‌تر (اصلح) را که قدرت پایبندی به قوانین اسلامی و حراست از حقوق مستضعفین و شئون امت اسلامی را داشته باشد، برگزینند (صافی گلپایگانی،

۱۴۱۷ ه. ق، ص ۱۰۹). اشاره به این نکته ضروری است که از جهتی اشخاصی که خودشان را اصطلاحاً کاندید دریافت مناصب تلقی می‌نمایند، لازم است خصوصیت‌های ذکر گردیده را در خودشان فراهم نمایند و از جهت دیگر چون ضرورت‌های دریافت مناصب مختلف در حکومت‌های اسلامی گوناگون است، برای گزینش درست و هماهنگ با شرایط لازم است اطلاع و آگاهی از این خصوصیت‌ها صورت بگیرد و اشخاص صالح متصدی فعالیت‌ها و اقدامات حکومتی شوند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مشارکت نمودن مردم در انتخابات یکی از روش‌هایی است که ظرفیت و پتانسیل بهره‌مندی از آن به وسیله حکومت فراهم می‌گردد و لازمه آن مشارکت فعالانه و توأم با مسئولیت شهروندان در این وجه خواهد بود. به دیگر بیان، پدیده انتخابات از شیوه‌های نوین مشارکت مردمی در حکومت اسلامی تلقی می‌شود.

#### ۷- مردم و اداره امور در دولت اسلامی

منظور از شیوه‌های مشارکت نمودن شهروندان، روش‌هایی است که جامعه اسلامی با ایده‌پردازی و پذیرفتن مسئولیت فعالیت‌های جاری مردم و جامعه و ایفای نقش در دستیابی به اهداف حکومت اسلامی در چارچوب مقررات و با هدایت و نظارت رهبر، به مشارکت در آنها اقدام می‌کنند. در تشریح بیشتر این تعاریف لازم است گفته شود که دستیابی به بعضی آرمان‌های حکومت اسلامی در گرو مشارکت ابتدایی شهروندان است؛ به صورتی که همه مراتب ایده‌پردازی، بنیان‌گذاری و اجرای امور مشارکتی با رویکرد مردمی صورت می‌پذیرد و بی‌آنکه پیش‌تر حکومت تمهیدات مشخصی را برای مشارکت نمودن شهروندان اندیشیده باشد یا از مردم تقاضای مشارکت نموده باشد، مسلمانان خودشان با هوشمندی و آگاهی از برخی مسائل یا نواقص مشاهده شده در فعالیت‌های جامعه اسلامی به رفع آنها مبادرت می‌ورزند. به همین دلیل می‌توان ابعاد مشارکت شهروندان در حکومت و جامعه اسلامی را در سه بعد مشارکت تکمیلی، اصلاحی و ابتدایی مورد بحث قرار داد.

## ۷-۱- مشارکت تکمیلی

منظور از مشارکت تکمیلی، در نظر گرفتن راهکارها و ابزارهایی است که به وسیله آن، شهروندان امور جاری حکومت اسلامی را تکمیل می‌نمایند. در توضیح این دسته از رویکردهای مشارکت، اشاره به این نکته لازم به نظر می‌رسد که دولت اسلامی در بعضی ابعاد، مثل فقرزدایی و تأمین رفاه اموراتی را پیگیری می‌کند، لکن این احتمال وجود دارد که فعالیت‌ها و اقدامات حکومتی در ابعاد مورد اشاره کافی نبوده و مقاصد حکومت اسلامی را کاملاً تحقق ندهد؛ از این رو شهروندان وظیفه دارند به منظور دستیابی به مشارکت فعال در حکومت اسلامی و در چارچوب قوانین حاکم، زمینه‌هایی را فراهم نمایند و با تکیه بر آن، حکومت اسلامی را در نزدیک شدن و رسیدن به آرمان‌هایش یاری دهند. به دیگر بیان، شهروندان در پیاده‌سازی مشارکت فعالانه تکمیلی و به شکل خودانگیخته زمینه‌هایی را ایده‌پردازی می‌نمایند تا بدین وسیله دولت اسلامی را یاری رسانند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**مشارکت در عرصه حل و فصل دعاوی:** فعل قضاوت کردن در عصر کنونی رفتاری حکومتی قلمداد می‌گردد و به منظور حل و فصل مسائل و رفع و رجوع درگیری‌ها در یک جامعه، نیازمند به یک نهاد قضایی می‌باشیم که از طرف شهروندان مورد پذیرش و قابل اتکا واقع گردد (ورعی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۳). نتیجتاً چنین نهادی از شئون یک جامعه اسلامی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۲۶) و حاکمان وظیفه دارند با هدف رفع و رجوع اختلافات و اجرا نمودن احکام شریعت در حوزه قضایی زمینه‌های متناسب و ضروری را فراهم کنند، ولی چنین وظیفه‌ای از حاکمان، تداخلی با مشارکت کردن شهروندان در رفع و رجوع دعاوی میان خودشان، بدون مراجعه به محاکم قضایی حکومت ندارد. به عنوان مثال، از نمونه‌های مشارکت تکمیلی شهروندان در امور و فعالیت‌های قضایی در حکومت اسلامی، رجوع به نهاد داوری قبل از مراجعه به محاکم قضایی حکومتی است. داوری علاوه بر داشتن مزایایی مثل صرفه‌جویی در هزینه‌ها، زمان و آیین دادرسی (که برای طرفین لحاظ می‌گردد)، منجر به کاهش بار سنگین از دعاوی مطرح در دستگاه قضایی شده و از طرف دیگر شانس مراجعه به

محاکم هم برای طرفین، از بین نمی‌رود. فراهم نمودن زمینه‌های ضروری به منظور مراجعه به نهاد داوری مستلزم مشارکت داشتن شهروندان در این حوزه بوده که این مشارکت، تکمیلی بر سازوکارهای قضایی در کشور به حساب می‌آید. گفتنی است که در وجهی دیگر از جنبه‌های مشارکت مردمی، نقش مشارکتی شهروندان در پیشگیری و کنترل جرائم با روش‌هایی مثل افزایش آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی‌های عمومی شهروندان، اثرگذاری قابل توجهی در سبک کردن بار سیستم قضا و کامل کردن فرآیند دسترسی به عدالت دارد.

**مشارکت شهروندان در فقرزدایی و تأمین رفاه:** از وظیفه‌های مهم یک حکومت اسلام محور فقرزدایی و کاهش هر نوع محرومیت و ضعف از جامعه است. با ایفای چنین نقشی توسط حکومت‌ها، طبقات ضعیف‌تر جامعه که قدرت برآورده کردن بعضی از نیازهای شخصی و خانوادگی‌شان را ندارند، به اندازه‌ی وسع و توان جامعه، برخوردار گردند (نیازی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸). ولی در ایفای چنین وظیفه‌ی خطیری، بدیهی است که قدرت پولی و نیز روش‌ها و قدرت انسانی حکومت اسلامی کافی نبوده و فقرزدایی و تلاش برای تأمین رفاه طبقات نیازمند در گرو مشارکت شهروندان است. از این رو، ایده‌پردازی و بنیان‌گذاری نهادهای شهروند-محور به دست جامعه اسلامی از طرفی منجر به پیش‌روی سیستم اجتماعی اسلامی در جهت آرمان‌های متعالی در نظر گرفته شده توسط خدا می‌گردد و از دیگر سو شهروندان نیز با انگیزه و به شکل تماماً داوطلب محور در چنین کار خدایسندانه‌ای مشارکت می‌کنند و به سعادت دنیوی و ثواب اخروی نائل می‌گردند. به عنوان مثال وقف تحت عنوان یک نهاد حقوقی قدرت اجرایی چنین منظوری را دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۵۶). ایجاد نهادها و مؤسسات خیریه و گروه‌ها و تیم‌های حمایت از قشر نیازمند، انجمن‌ها و مددکاران بیماری‌های صعب‌العلاج، حمایت‌گران از ازدواج زوجین کم‌بضاعت و کارهای این‌چنینی با بهره‌مندی از ابزارهایی مثل استفاده از وام‌های قرض‌الحسنه، در اختیار گذاشتن وام‌های مالی و یا کمک‌های تخصصی و حرفه‌ای، از این‌گونه رویکردهای مشارکت محور به شمار رفته و لازم است تا ضمن جدی گرفته شدن، تکمیل شده و رشد یابند.



## ۷-۲- مشارکت اصلاحی

منظور از چنین مشارکتی در یک حکومت اسلامی، حضور یافتن مردم و شهروندان جامعه و نقش‌پذیری امت اسلامی و همراه شدن آنها در جهت رفع مشکلات و ایرادات ظاهر شده در کارها و فعالیت‌هایی است که توسط نهادها و افراد حکومتی انجام می‌شود. اگرچه چنین مشارکتی هم به مقررات و نظامات جاری در حکومت اسلامی محدود است، امروزه در جوامع مبتنی بر مردم‌سالاری، مشارکت مردم در عرصه قانون‌گذاری نمادی از حق تصمیم‌گیری و بیان نظر در ابعاد اجتماعی به حساب می‌آید و به این دلیل که نهاد قانون‌گذاری در این نوع سیستم‌ها محدودیتی ندارد، اشکال مختلفی از مشارکت مردمی در فرایند قانون‌گذاری توسط مراجع ذیصلاح طراحی شده است. همچنین نظارت بر رفتار کارگزاران حکومتی و اخطار دادن در زمان تخلف و کوتاهی از نقش‌های آنها بوده و همچنین حضور نهادهای نظارتی شهروندان، پتانسیل و راه‌های ممکن برای کوتاهی یا تخلف کارگزاران را از بین می‌برد؛ زیرا کارگزاران حکومتی همیشه در دسترس نظارت شهروندان بوده و در زمان تخطی نمودن از چارچوب قانونی اخطار گرفته، بنابراین، فراهم کردن زمینه‌ها و ابزارهای ضروری به منظور نظارت مردمی می‌تواند وظیفه مشارکت اصلاحی مردم در حکومت اسلامی را تأمین نماید (تمیزکارمستقیم و عباسی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵).

در بخش بررسی مبانی مشارکت مردم در حکومت اسلامی، به قواعدی مانند وجوب امر به معروف و نهی از منکر و لزوم مشورت اشاره شد که بر اساس آن جامعه اسلامی با حاکمان خودشان مرتبط و نزدیک بودند و آنها را درباره نواقص و کمبودهای دیده شده در امور حکومتی مطلع می‌ساختند. به عنوان مثال، در تاریخ دیده می‌شود که حضرت علی (ع) با هدف برقراری رابطه بین امام و امت، شفاف‌سازی و خبردهی به مردم از اوضاع حاکم و تبیین نظرات و اعتراضات اشخاص نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته، یک نهاد با نام «بیت‌القصص» ایجاد نمود تا از طریق آن، ارتباط و تذکرات مورد اشاره زمینه عملی شدن بیابد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۴۲۵)، ولی مطابق با مبانی

اشاره شده در قبل، چنین نتیجه گرفته می‌شود که رفتارها و مشارکت‌های اصلاحی شهروندان در یک حکومت اسلامی فقط به زمینه‌ها و ابعادی که حاکم یا حاکمان مهیا کرده‌اند، خلاصه نشده و علاوه بر آن چنین مشارکتی مستلزم حضور فعالانه شهروندان در اصلاح امور و فعالیت‌ها و حتی ساختار و ابزارهای حکومت اسلامی است. پس منظور از مشارکت اصلاحی در یک حکومت اسلامی، حاضر شدن مردم و اجتماعات و نقش‌پذیری شهروندان و مسئولیت‌گرفتن آنها در بهبود و کاهش کمبودها و نواقص دیده‌شده در فعالیت‌هایی است که توسط نهادها و کارگزاران و مأموران حکومتی انجام می‌شود؛ اگرچه چنین فعالیت‌هایی هم در چارچوب مقررات حاکم در آن حکومت اسلامی باید صورت بگیرد و جامعه مسلمان می‌تواند در چنین چارچوب مشخصی با ایده‌پردازی زمینه‌هایی به فرآیند اصلاحات امور کشور مشغول شود. به‌عنوان نمونه، می‌توان به زمینه‌های زیر به‌عنوان موارد مشارکت اصلاحی، پرداخت:

**مشارکت مردم در زمینه تقنین:** در عصر کنونی و در کشورهایی که داعیه دموکراسی دارند، مشارکت شهروندان در زمینه تقنین سنبلی از حق حاکمیت شهروندان در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به حساب می‌آید و چون زمینه تقنین در این نوع از حکومت‌ها فاقد محدودیت است، نهادها و افراد صالح انواع گوناگونی از چگونگی مشارکت شهروندان را در مسیر تقنین ایده‌پردازی نموده‌اند (رستمی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). چون مجلس شورای اسلامی در حکومت اسلامی هم با هدف برنامه‌ریزی در جهت حاکم کردن دین اسلام تأسیس شده است، قادر است از نظرات متخصصان و اندیشمندان در حوزه‌های فنی مختلف بهره‌ببرد. با چنین هدفی، از طرفی در جهت کامل کردن مسیر تقنین و از طرف دیگر در جهت نقش مشارکت فعالانه شهروندان در اداره حکومت اسلامی، متخصصان و نخبگان وظیفه دارند با فراهم کردن سازوکارهای مردم‌محور، قبل و بعد از مصوب کردن هر قانون و آیین‌نامه‌ای نظرات فنی خودشان را به کارگزاران مرتبط حکومتی ابلاغ کنند. این مسئله در رابطه با بقیه قوانینی که نهادهای حکومتی ایجاد می‌نمایند هم حاکم است. بر اساس اصلی به نام سلسله مراتب قوانین، قوانین و مقررات مادون (مثل بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها) نباید با مافوق متعارض باشد

و حکومت‌های مختلف نهادهایی را برای مراقبت این مسئله ایجاد می‌نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰).

**مشارکت مردم در اصلاح قاعده‌گذاری:** اقتضای مبتنی بر مبانی در یک حکومت اسلامی ایجاب می‌نماید که کارشناسان با تحلیل و مقایسه کردن قوانین دولتی، نمونه‌های در تعارض با قوانین و مقررات بالادستی را به نهادهای مربوط به این حوزه اطلاع دهند که چنین کاری خودش منجر به اصلاح قاعده‌گذاری در مورد مقررات و قوانین بعدی خواهد شد؛ زیرا مرجعی که صلاحیت تقنین مقررات را دارد از نقایص قانونی مقررۀ تصویب‌شدهٔ خودش مطلع گردیده و از وضع مجدد آنان اجتناب می‌نماید.

**مشارکت شهروندان در نظارت بر مأموران کارگزاران:** مرحلهٔ پس از قانون‌گذاری و وضع مقررات، طبیعتاً اجرای این قوانین و قواعد است. از آنجا که نهاد تقنینی در هر مرحله و فرآیند از اجرای دستورالعمل و یا قانون، اختیارات و وظایفی را برای مأموران و کارگزاران حکومت تصور می‌کند، بنابراین لازم است تا مسئلهٔ نظارت کردن بر اجرا و چگونگی اجرای این افراد در نظر گرفته شده و سازوکار تذکر در زمان هرگونه کوتاهی و یا تخلف از وظایف در نظر گرفته شود. حضور نهادهای مردم‌محور نظارتی می‌تواند پتانسیل کوتاهی و یا تخطی کارگزاران را از بین برده و یا تا حد قابل قبولی بکاهد؛ زیرا کارگزاران حکومتی همیشه زیرنظر مراقبت‌های اصولی شهروندان بوده و در زمان تخطی از حدود و چارچوب‌های قانونی مورد اخطار قرار خواهند گرفت. فراهم کردن رویکردها و سازوکارهای ضروری با هدف مراقبت مردم‌محور می‌تواند نقش مشارکت اصلاحی شهروندان در حکومت اسلامی را تحقق بخشد.

### ۷-۳- مشارکت ابتدایی

معنی مشارکت ابتدایی شهروندان در یک حکومت اسلامی، ایده‌پردازی و بنیان‌گذاری نهادها، مؤسسات و یا گروه‌هایی با هدف مسئولیت گرفتن و نقش‌پذیری شهروندان در فعالیت‌های مرتبط با اداره حکومت است، به طریقی که منجر به تحقق یافتن یکی از اهداف خدای تبارک و تعالی؛ از دستور به ایجاد حکومت یا قدرت بخشیدن سیستم

اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اسلامی گردد. نقطه تفاوت مشارکت ابتدایی مردم محور و مشارکت اصلاحی و تکمیلی شهروندان این است که در این گونه از مشارکت شهروندان، افراد با در نظر گرفتن مقررات حکومت و زیر نظر مراقبت های متداول حاکم و با تصمیم گیری و صلاح دید خودشان از خلأهای کنونی امت اسلامی کارهایی را در جهت آرمان های حکومت اسلامی به انجام می رسانند، بی آنکه پیش از آن زمینه و حوزه مورد نظر که به آن ورود یافته اند، توسط حکومت مورد توجه واقع شده باشد. در توضیح این گونه از مشارکت شهروندان باید اشاره کرد که تحلیل نقش ها و بایدهای حکومت ها در طول تاریخ نشان دهنده تغییر یافتن نظرات و الگوها در اولویت دادن به نقش ها است و هر حکومتی بر اساس شرایط زمانه و مقداری که هر وظیفه ضرورت دارد، به ایفای آنها مبادرت می ورزد؛ زیرا حکومت قدرت مادی مشخصی داشته و بر اساس ضرورت هریک از اهداف در زمینه های مورد اشاره ورود می کند (سمیعی نسب، ۱۳۸۸، صص ۱۶۲ و ۱۶۳).

بنابراین دولت اسلامی هم از چنین روندی خارج نبوده و لازم است با در نظر گرفتن شرایط و امکانات امت اسلامی، رسیدگی به بعضی اهداف را بر اهداف دیگر مقدم شمارد. به همین دلیل بعضی از آرمان های درجه پایین تر نظام اسلامی در مرتبه های اولویت درجه کمتری قرار می گیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۵۴). بنابراین مشارکت های ابتدایی شهروندان در این حوزه ها مانع از بر زمین ماندن اهداف تعیین شده برای حکومت اسلامی می شود که این امور متناسب با شرایط حکومت، متفاوت است. از این رو شهروندان در جهت محقق نمودن این نقش از وجهی باید آرمان های دولت اسلامی و از دیگر وجه توانمندی های دولت اسلامی را در هر شرایطی تشخیص دهند تا بدین طریق با مشارکت ابتدایی خود زمینه اجرای تمام و کمال شریعت در عرصه اجتماعی را فراهم سازند.

## ۸- نتیجه گیری

با مطرح شدن کلیات نظری در خصوص موضوع مشارکت مردم، به عنوان یکی از شاخص های اساسی جامعه مدنی در عصر حاضر، به این نتیجه می رسیم که با توجه به تأکید دین مبین اسلام مبنی بر فروپاشی حکومت های استبدادی در مقابل اراده و خواست

مشروع مردم، نظام جمهوری اسلامی که بر اساس مبانی و اصول بنیادین اسلامی شکل گرفته است، مشارکت سیاسی جایگاه اساسی در مشروعیت و مقبولیت نظام دارد. در این پژوهش پس از بررسی در مبانی دینی خصوصاً کتاب، سنت، عقل و اجماع و کنکاش در سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، این فرضیه اثبات می‌گردد که مشارکت سیاسی یکی از مؤلفه‌های اصلی در نظام اسلامی بوده و یکی از تکالیف دینی محسوب می‌گردد. از تمامی مطالب گفته شده در این پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که چون مشارکت نمودن شهروندان در امر اداره و اجرای احکام شریعت در حکومت اسلامی چه در زمینه‌های مرتبط با حکومت و چه در زمینه‌های مرتبط با شهروندان نقش آن‌ها قلمداد گردیده و بر اساس اوامر خدای تعالی مشارکت ورزیدن شهروندان از واجبات دینی است. این در حالی است که اگر آرمان‌های در نظر گرفته شده برای دولت اسلامی در ابعاد و گونه‌های متفاوت در جامعه مورد نظر اجرا نگردد، در کنار حکومت به‌عنوان وظیفه دار اجرای شریعت و دین، شهروندان هم دارای نقش می‌باشند. در زمان عیان شدن کمبودها و خلأها در چارچوب‌های اداره یک حکومت اسلامی، در کنار خود حکومت، شهروندان نیز باید با مشارکت ورزیدنشان حل و فصل این‌گونه مسائل را جویا شوند. به همین دلیل است که در صورتی که اجرا نمودن احکام و دستورات شریعت، مقصود اصلی حکومت اسلامی باشد، در زمان حاصل نشدن چنین مقصودی هر دو وجه حاکمان و مردمان امت اسلامی مسئولیت داشته و دارای نقش می‌باشند و با توجه به چنین نقشی تا زمان دستیابی به این اهداف لازم است حرکت و اقدامات متناسب خود را انجام دهند. باید توجه داشت که در زمان مشارکت ورزیدن اجتماعی شهروندان به‌اندازه کافی در هر یک از زمینه‌های برنامه‌ریزی شده و در زمان دستیابی به مقاصد مورد نظر، مسئولیت دیگران ساقط می‌شود. بنابراین مشارکت ورزیدن فعالانه در اداره کردن ارکان یک حکومت به‌منزله سهام‌داری و شرکت کردن تک‌تک اشخاص امت و گرفتن نقش‌ها در امورات و عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی با هدف رسیدن به مقاصد حکومت اسلامی معین است. این امر بر اساس مبانی اسلامی بر عموم مسلمانان واجب است و تکلیف شرعی محسوب می‌شود. در تعریف مشارکت سه رکن مسئولیت‌پذیری،

در راستای هدف بودن و کاری آگاهانه و فعالانه، ارکان اصلی تعریف به شمار می‌روند. از همین رو، مطالعه اهداف حکومت اسلامی به منظور فهم مشارکت و تبیین راهکارهای آن ضروری به نظر می‌رسد. در حکومت اسلامی مانند دیگر حکومت‌ها می‌توان دو دسته هدف را ترسیم کرد: هدف نهایی و غایی حکومت اسلامی بسترسازی در راستای هدایت جامعه به سوی تقرب الهی و اهداف میانی شامل عدالت‌ورزی، فراهم کردن جنبه‌های گوناگون امنیت و نظم اجتماعی، آموزش و پرورش و بهبود اندازه‌ها و معیارها در فرهنگ جامعه بر اساس دین، فراهم کردن رفاه و فقرزدایی و گسترش شعائر اسلامی و ... است که می‌توان آن را ذیل عنوان اقامه دین در نظام اجتماعی قرار داد. در راستای تحقق این اهداف مشارکت مردمی ضروری است. الگوهای مشارکت کردن در واقع راهکارها و اقداماتی است که جامعه اسلامی در جهت ایفای نقش خودش به منظور مشارکت ورزیدن در اداره حکومت اسلامی بدان‌ها می‌پردازد. با توجه به چنین نکته‌ای، مشارکت شهروندان در عرصه‌های مختلف حکومت اسلامی را می‌توان به دو شکل «مشارکت حکومتی» و «مشارکت مردمی» طبقه‌بندی نمود. منظور از مشارکت گرفتن نقش‌ها و سهام‌داری در اداره کردن در عرصه‌هایی است که دولت اسلامی زمینه و پتانسیل فعالیت در آن‌ها را آماده کرده است که ذیل چنین مشارکتی، مشارکت در فرمان بردن از حکومت، مشغول شدن در سمت‌های حکومتی، برگزیدن مأموران و تهیه منابع گوناگون پولی قرار می‌گیرد. منظور از مشارکت مردمی هم این است که امورات حکومتی به تنهایی نمی‌تواند به پیاده‌سازی اهداف حکومت اسلامی منجر شود؛ بنابراین شهروندان به وسیله کامل نمودن، اصلاح کردن و یا بنیان‌گذاری نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و یا اقدام ورزیدن به اموراتی به کمک حکومت می‌شتابند و می‌توان گفت که در این صورت در امر اداره حکومت شریک شده‌اند. با توجه به استدلال‌های بیان شده و بر اساس طبقه‌بندی که مورد اشاره قرار گرفت، اگر در امت اسلامی و یا ارکان حکومت اسلامی خلأها و یا کمبودهایی در طریق دستیابی به مقاصد مشاهده گردد، در کنار مسئولیت حکومت - که البته مسئولیت و نقش اصلی است - شهروندان هم مسئول بوده و بر اساس چنین نقش و مسئولیتی و باید در جهت کاهش و یا از بین بردن کمبودها و نواقص گام بردارند.



## کتاب نامه

### الف) کتاب ها

#### قرآن کریم.

۱. ایزدهی، سجاد (۱۳۹۷)، **مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه**، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، **ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت**، قم: نشر اسرا.
۳. شهبازی، محبوب (۱۳۸۰)، **تقدیر مردم سالاری ایرانی**، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
۴. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۷.ق)، **جامع الاحکام**، جلد ۲، قم: انتشارات حضرت معصومه (س).
۵. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران: نشر میزان.
۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۸)، **سیاست شناسی: مبانی علم سیاست**، چاپ هشتم، تهران: سمت.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، **مقدمه علم حقوق**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، **دانشنامه امیرالمؤمنین بر پایه قرآن**، حدیث و تاریخ، جلد ۳، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱) **پرسش ها و پاسخ ها**، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، **مجموعه آثار**، ج ۱۸، قم: انتشارات صدرا.
۱۱. معین، محمد (۱۳۶۰)، **فرهنگ فارسی معین**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳.ق)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از دانشمندان (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، جلد دهم، چاپ



- یازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷.ق)، **استفتائات جدید**، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۱۵. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹.ق)، **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، جلد ۸، قم: موسسه کیهان.
۱۶. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸.ق)، **دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة**، جلد اول، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
۱۷. منوچهری، عباس (۱۳۶۸)، **فرهنگ دانشگاهی**، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. ورعی، جواد (۱۳۸۱)، **حقوق و وظایف شهروندان و دولت مردان**، قم: مرکز تحقیقات علمی، دبیرخانه مجلس خبرگان.

### ب) مقالات

۱۹. ارسطا، محمدجواد (۱۳۸۰)، **گزینش اعضای مجلس خبرگان بر مبنای نظریه نصب، حکومت اسلامی**، شماره ۲۰.
۲۰. اراکی، محسن (۱۳۸۰)، **جایگاه مردم در نظام حکومتی اسلام، رواق اندیشه**، شماره ۶.
۲۱. تمیزکارمستقیم، محمد و عباسی، بیژن (۱۳۹۴)، **بررسی چالش‌های مشارکت همگانی در نظام سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی**، شماره ۲۹.
۲۲. جاوید، محمدجواد و فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۲)، **راهکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی، دانش حقوقی**، سال دوم، شماره ۶.
۲۳. رستمی، ولی (۱۳۸۷)، **مشارکت مردم در قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق**، شماره ۱.
۲۴. سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۸۸)، **تحلیل وظایف اقتصادی دولت جهت تحقق**

- عدالت اقتصادی در الگوی ایده‌آل اقتصاد اسلامی، فصلنامه معرفت سیاسی، شماره ۲.
۲۵. قربانی، مهدی (۱۳۹۳)، تبیین نظری کارآمدی سیاسی نظام ولایت فقیه، حکومت اسلامی، شماره ۷۲.
۲۶. موحدیان، میلاد (۱۳۹۷)، نقش مردم در مشروعیت حکومت اسلامی، ره‌آورد سیاسی، شماره ۵۱.
۲۷. نیازی، احمدعلی (۱۳۸۹)، اهداف و وظایف حکومت دینی، نشریه معرفت سیاسی، شماره ۳.
۲۸. نیکونهاد، حامد و زارع، مهدی (۱۳۹۸)، نسبت‌سنجی درون‌مایه بیعت در اندیشه سیاسی شیعه با ماهیت و کارویژه «رأی» در حقوق اساسی مدرن، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب - سال ششم، شماره اول.
۲۹. ورعی، سیدجواد (۱۳۸۷)، نقش مردم در مشروعیت حکومت اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴۹.